

یادداشت



دکتر ابراهیم متقی

رئیس دانشکده علوم سیاسی

دانشگاه تهران



مکتب مقاومت و تحول ژئوپلیتیک در منطقه آشوب زده



اشاره | مکتب مقاومت، مفهومی ژئوپلیتیکی با اهدافی راهبردی است. چنین مفهومی از این جهت در ادبیات روابط بین‌الملل، اهمیت دارد که از قابلیت لازم برای اثرگذاری در معادله قدرت برخوردار است. کشورهای منطقه‌ای و بازیگران انقلابی برای بقای خود، نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی هستند که امکان تغییر در موازنه ژئوپلیتیکی را ایجاد کند. سلیمانی توانست آموزه مقاومت با ضرورت‌های تحریک ژئوپلیتیکی را با یکدیگر پیوند دهد. در اندیشه سلیمانی، ضرورتی به نام تغییر در موازنه قدرت نظام سلطه وجود داشت و درونی شده بود. در این یادداشت، تلاش می‌شود تا شاخص‌های مکتب مقاومت در انگاره و کنش انقلابی سردار سلیمانی تبیین گردد. در مرحله دوم، در صدد خواهیم بود تا به این موضوع بپردازیم که مکتب مقاومت از اثربخشی لازم در منطقه آشوب‌زده، برخوردار بوده است. سیاست امنیتی و ژئوپلیتیکی ایالات متحده، به سازماندهی منطقه آشوب‌زده، معطوف بوده است. ویژگی اصلی منطقه آشوب‌زده را دخالت نظامی آمریکا و کارگزاران جنگ نیابتی تبیین می‌کند. سلیمانی توانست منطقه آشوب‌زده را بر اساس معادله قدرت به نیروی جدیدی برای جبهه مقاومت تبدیل کند.

مکتب مقاومت در اندیشه و راهبرد سردار سلیمانی

مکتب انقلابی را می‌توان بخشی از نشانه‌های کنش تاکتیکی ناشی از راهبرد انقلاب اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای دانست. اندیشه مکتب انقلابی با نشانه‌هایی از صدور انقلاب، حمایت از مستضعفان، سازماندهی گروه‌های حاشیه‌ای و نگرش راهبردی به گروه‌های انقلابی با اندیشه دینی، پیوند یافته و زمینه لازم برای تغییر در ژئوپلیتیک قدرت را به وجود آورد. مکتب انقلابی در نگرش سلیمانی مبتنی بر سازماندهی گروه‌های اجتماعی برای حفاظت از خود در شکل‌بندی منطقه آشوب‌زده جنوب غرب آسیا تلقی می‌شود. پیوند اندیشه مقاومت و مکتب آن، محور اصلی کنش تاکتیکی مکتب سردار سلیمانی بوده است. سردار سلیمانی در روند سازماندهی ارتش هویتی و مکتب انقلابی از سازوکارهای کنش اجتماعی و پیوند آن با سازوکارهای انقلابی در محیط پیرامونی بهره گرفت. محور اصلی اندیشه سلیمانی در مکتب مقاومت، به مقابله با نظام سلطه معطوف بوده است.

چنین ذهنیتی با روحیه ایرانی که بر نشانه‌هایی از کنش انقلابی، آزادی‌خواهی، عدالت‌گرایی و تحریک سیاسی مبتنی است، مغایرت داشته و به‌عنوان یکی از چالش‌های ذهنی جامعه ایران در مورد نوع نگاه آمریکا به حکومت‌های ایران، باقی مانده است. ذهنیت ایرانی در دوران انقلاب و سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بر اساس «مقابله با نقش منطقه‌ای و الگوی کنش راهبردی ایالات متحده» به عنوان مرکزیت نظام سلطه شکل گرفت.

مکتب مقاومت، دارای ریشه‌های تاریخی تحول‌یابنده‌ای است. اولین بار، ارتش‌های ملی بعد از وستفالیای شکل گرفته که در مقایسه با نیروهای نظامی فصلی، ماهیت انقلابی داشت. علت اصلی چنین رویکردی را می‌توان در سازماندهی و ساختار حرفه‌ای نیروهای ژئوپلیتیکی در محیط آشوب‌زده دانست. مکتب مقاومت در اندیشه سلیمانی در سال‌های بعد از دفاع مقدس، نقش محوری برای تحقق اهداف ژئوپلیتیکی ایران در راستای مقابله با کارگزاران جنگ نیابتی آمریکا در محیط منطقه‌ای، ایفا کرده است. در واقع، مکتب

مربوط به منطقه آشوب زده دانست. مکتب مقاومت با واقعیت‌های سیاست ایرانی نسبت به سازوکارها و اقدامات مداخله جویانه و تهاجمی آمریکا در دوران‌های مختلف تاریخی، هماهنگی و همبستگی دارد. مفهوم مکتب مقاومت با اندیشه‌های راهبردی سردار سلیمانی، شکل گرفته و در فضای تحقق ژئوپلیتیک جدید منطقه‌ای، ارتقاء پیدا کرده است. مکتب مقاومت در دوران گذشته بر اساس سازوکارهای جنگ چریکی، شکل گرفته بود. در سال‌های بعد از جنگ سرد، دوران تاریخی جنگ چریکی پایان یافته و عصر جدیدی مبتنی بر ارتش‌های انقلابی، به وجود آمده است. ویژگی اصلی مکتب مقاومت را می‌توان در هویت گرایی و سازماندهی فضای مقاومت جستجو نمود. اندیشه مقاومت بر اساس ضرورت‌های هویتی و نیازهای راهبردی گروه‌های حاشیه‌ای شده، شکل گرفته است.

مکتب مقاومت به مثابه بخشی از راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی در حوزه دفاعی، امنیتی و ژئوپلیتیکی تلقی می‌شود. در این ارتباط، سیاست دفاعی به عنوان بالاترین سند دفاعی کشور، تعیین‌کننده ماهیت و ساختار سیستم دفاعی کشور در ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری بوده که بر اساس شاخص‌های مکتب انقلابی سردار سلیمانی، انعکاس اجرایی و عملیاتی پیدا کرده است. مکتب مقاومت به عنوان بخشی از سیاست‌گذاری راهبردی ایران در دوران سردار سلیمانی و در محیط پیرامونی محسوب می‌شود. واقعیت مکتب مقاومت با ضرورت‌های راهبردی سیاست خارجی و امنیتی ایران، پیوند داشته است. مکتب مقاومت می‌تواند ماهیت رهایی‌بخش، آزادی‌بخش یا هویتی داشته باشد و شکل جدیدی از معادله قدرت را منعکس

مقاومت توانست زیرساخت‌های لازم برای مکتب مقاومت و کنش راهبردی در محیط آشوب زده را به وجود آورد. هرگونه مقاومت در اندیشه و عمل سردار سلیمانی، تابعی از سازوکارهای کنش هویتی خواهد بود. مکتب مقاومت در اندیشه و عمل سلیمانی مبتنی بر سازماندهی نیروهای اجتماعی و انقلابی در گام دوم انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. سلیمانی توانست زمینه‌های کنش تاکتیکی برای بهینه‌سازی معادله قدرت ایران در محیط منطقه‌ای را از طریق اجتماعی سازی معادله قدرت فراهم آورد. مکتب مقاومت در ایران انقلابی، دوران تاریخی مختلفی را سپری ساخته است. اندیشه مقاومت، کاملاً ماهیت اجتماعی داشته است، چنین رویکردی را می‌توان به عنوان بخشی از اندیشه مکتب مقاومت با قالب‌های ادراکی و تحلیلی جامعه، فرهنگ و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی دانست. کنش تاکتیکی و عملیاتی سردار سلیمانی در فضای مکتب مقاومت، زیرساخت‌های لازم برای سازماندهی نیروهای هویتی و شکل‌بندی‌های کنش سیاسی بازیگرانی را به وجود آورد که از قابلیت لازم برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای و ساختاری برخوردارند.

کارکرد مکتب مقاومت در محیط ژئوپلیتیکی غرب آسیا

ویژگی اصلی مکتب مقاومت، آن است که از قابلیت و ابزارهای لازم برای اثربخشی در ژئوپلیتیک محیط منطقه‌ای برخوردار است. مکتب مقاومت، توانست زیرساخت‌های گسترش جبهه مقاومت در محیط بحران زده جنوب غرب آسیا را به وجود آورد. مکتب مقاومت از شاخص‌هایی برخوردار است که روحیه و انگاره‌های ذهنی جامعه ایرانی، ارتباط داشته و آن را می‌توان به عنوان بخشی از سازوکارهای هویتی‌یابی و اثربخشی منطقه‌ای در شرایط گسترش نشانه‌های



داشته و این امر، پیچیدگی‌های محیط منطقه‌ای را به میزان قابل توجهی افزایش داده است. مکتب مقاومت می‌تواند بخشی از فرآیند مدیریت بحران و غلبه بر بازیگران آشوب ساز در محیط منطقه‌ای غرب آسیا تلقی شود.

مکتب مقاومت به لحاظ رفتاری و جهت‌گیری، ماهیت تاکتیکی دارد. محور اصلی کنش در مکتب مقاومت را بازیگرانی تشکیل می‌دهد که از قابلیت لازم برای کنش فرهنگی، هویتی و راهبردی برخوردارند. به همین دلیل است که مکتب مقاومت با قالب‌های دیپلماسی فرهنگی، پیوند پیدا کرده است. در فرآیند سازماندهی مکتب مقاومت، هرگونه همکاری دفاعی و امنیتی، نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهای فرهنگی است. به عبارت دیگر، جلوه‌هایی از همبستگی میان شاخص‌های فرهنگی، مطالعاتی، دیپلماتیک و راهبردی وجود دارد.

سازد. مکتب مقاومت در نگرش و عمل سردار سلیمانی بر اساس شاخص‌های هویت و مقاومت، شکل گرفت و زمینه تحول در محیط منطقه‌ای را به وجود آورد. مکتب مقاومت همچنین، توانست زمینه‌های لازم برای نقش‌یابی ایران در مرکزیت ژئوپلیتیک جهان اسلام را فراهم سازد.

سلیمانی توانست با شاخص‌های راهبردی اندیشه ام‌القری، پیوند برقرار کند و چنین اندیشه‌ای را به عنوان محور اصلی تفکر ژئوپلیتیک ایران در مقابله با تهدیدات، مورد استفاده قرار دهد. سازماندهی مکتب مقاومت و شکل‌گیری این مکتب، پیوند درهم‌تنیده‌ای با یکدیگر دارد. مکتب مقاومت را می‌توان بخشی از تلاش سازمان یافته جمهوری اسلامی برای بازتولید قدرت راهبردی و مقابله با تهدیدات ژئوپلیتیک آمریکا در منطقه آشوب‌زده دانست. منطقه‌ای که همواره نشانه‌هایی از نقش‌یابی بازیگران نیابتی وجود